

## **Risk Management: A Strategy for a More Precise Translation of Hedges in Academic Articles**

**Mohammad Amiryousefi**

*Assistant Professor, Department of English, Faculty of Foreign Languages, University of Isfahan, Iran*

**Behnam Rezvani Sichani**

*M.A. Student, Department of English, Faculty of Foreign Languages, University of Isfahan, Iran*

**Ehsan Rezvani**

*Assistant Professor, Department of English Language, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Iran*

*\*Corresponding author, e-mail: m.amiryousefi@yahoo.com*

### **Abstract**

The purpose of this study was to investigate the procedures adopted by Iranian translation students in the translation of hedges. To this end, participants were asked to translate an academic article in the field of medical sciences from English into Persian. Pisanski Peterlin and Zlatnar Moe's (2016) approach was utilized for data collection and analysis so as to examine Iranian students' general approach in hedging translation. The results indicated that, in spite of their importance in academic writing, almost forty percent of hedges were altered or deleted in different ways. Additionally, semi-structured discourse-based interviews were conducted to further examine the reasons behind students' decisions regarding hedging translation. Finally, the findings were discussed within the risk management framework in translation. The analysis suggested that Anthony Pym's (2015) risk management framework could provide a real help to translators in translating hedging devices.

**Keywords:** Hedge, Translation, Risk Management, Semi-Structured Discourse-Based Interview, Illocutionary Force.

نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی

سال یازدهم، شماره دوم، شماره ترتیبی ۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۸/۲۴

تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۷/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۱۹

صص ۲۵ - ۴۴

## مدیریت ریسک: راهبردی برای ترجمه دقیق تر تردیدنماهای متون علمی

\* محمد امیریوسفی

\*\* بهنام رضوانی سیچانی

\*\*\* احسان رضوانی سیچانی

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی روش‌های ترجمه به کار گرفته شده، از سوی دانشجویان مترجمی زبان انگلیسی، در ترجمه تردیدنماها در یک مقاله علمی در حوزه پزشکی می‌پردازد. در این پژوهش از روش پیسانسکی پترلین و زلاتنار مو (۲۰۱۶) برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها جهت بررسی رویکرد دانشجویان ایرانی در ترجمه تردیدنماها استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که علیرغم اهمیت تردیدنماها، نزدیک به چهل درصد آن‌ها در ترجمه به گونه‌های مختلف حذف شده و یا تغییر کرده‌اند. سپس به روش مصاحبه گفتمان محور نیمه ساختار یافته دلایل تصمیمات دانشجویان ارزیابی و تحلیل شد. در آخر، یافته‌های پژوهش از منظر مدیریت ریسک در ترجمه مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نتایج این بررسی‌ها نشان داد چارچوب مدیریت ریسک آنتونی پیم (۲۰۱۵) می‌تواند به مترجمان در ترجمه تردیدنماها کمک کند.

### کلیدواژه‌ها

تردیدنما، ترجمه، مدیریت ریسک، مصاحبه گفتمان محور نیمه ساختار یافته، توان منظوری

\* استادیار، گروه زبان انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسؤول) M.Amiryousefi@fgn.ui.ac.ir

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران b.rezvani@fgn.ui.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران rezvani@khuif.ac.ir

Copyright©2020, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they can't change it in any way or use it commercially.

Doi: 10.22108/jrl.2019.113942.1273

## ۱. مقدمه

تردیدنماها از موضوعات بسیار جذاب برای پژوهشگران حوزه کاربردشناسی زبان به حساب می‌آیند. رویکردهای نوین فلسفی منجر به افزایش چشمگیر به کارگیری زبان تردید در اکثر متن‌ها، به خصوص متن‌های علمی گردیده است. اصطلاح تردیدنما<sup>۱</sup> (عبارات احتیاط‌آمیز) برای اولین بار توسط جورج لیکاف<sup>۲</sup> استفاده شد. او در سال ۱۹۷۲ و طی هشتمین نشست جامعه زبان‌شناسان شیکاگو اصطلاح تردیدنما را برای نامیدن مفهوم ابهام در استدلال معرفی نمود (آپرونه<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱؛ لیکاف، ۱۹۷۲). از آن زمان به بعد، این مفهوم آنچنان مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است که اکنون تردیدنما از یک اصطلاح صرفاً معنایی به پدیده‌ای مهم در کاربردشناسی و زبان‌شناسی تبدیل شده است (آپرونه، ۲۰۱۱). در ابتدا لیکاف (۱۹۷۲) اصطلاح تردیدنما را تنها برای عباراتی به کار برد که در جهت تعیین مرزبندی‌های یک موضوع علمی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. لیکاف (۱۹۷۲) تردیدنماها را عباراتی می‌دانست که برای کم کردن و یا افزایش ابهام در یک متن به کار می‌روند. اما مارکانن و شرودر<sup>۴</sup> آنچنان مفهوم تردیدنما را گسترش دادند که از نظر آنها «تقریباً هر عبارت و یا نشانه زبان‌شناختی می‌تواند به عنوان یک تردیدنما برداشت شود» (مارکانن و شرودر، ۱۹۹۷: ۶). امروزه تردیدنماها نقش تعیین‌کننده‌ای در زبان محاوره و نوشتار بازی می‌کنند و به همین دلیل توجه زبان‌شناسان سرتاسر جهان را به خود معطوف ساخته‌اند (آپرونه، ۲۰۱۱).

در واقع تردیدنما عبارت است از «راهبردی در گفتمان، که توان منظوری و یا حقیقت یک گزاره را کاهش می‌دهد و بنابراین خطرات آن را برای گوینده در زمانی که ادعای قوی و محکمی را ارائه می‌کند، و یا در بیان دیگر کنش‌های گفتاری، کاهش می‌دهد» (کالتنبوک، میهاتش و اشنايدر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰: ۱). در زبان فارسی تردیدنماهایی از گروه‌های زبانی گوناگون وجود دارند، مانند: قیده‌های «احتمالاً» و «شاید» و یا افعال مرکبی مثل «به نظر رسیدن» و «حدس زدن» (فامیان و کارگر، ۱۳۹۲). در زبان انگلیسی نیز عباراتی مانند «sort of»، «seem»، «appear»، «would suggest» و غیره به عنوان تردیدنما شناخته می‌شوند. تردیدنماها در مقابل یقین‌نماهایی<sup>۶</sup> مانند «حتماً»، «قطعاً» و غیره قرار می‌گیرند که از قطعیت نگارنده نسبت به موضعش خبر می‌دهند. در مقالات فارسی، معادل‌هایی مانند عبارات احتیاطی نیز به جای تردیدنماها استفاده شده است (عبدی، ۱۳۸۸). در این پژوهش از معادل تردیدنما، که بیشتر نیز از سوی نویسندگان فارسی زبان به کار گرفته شده است (فامیان و کارگر، ۱۳۹۲)، برای دلالت به این مفهوم وام گرفته شده است.

هایلند<sup>۷</sup> (۲۰۰۰) معتقد است توجه به تردیدنماها و یقین‌نماها از آن جهت حیاتی است که ادعاهای مطرح شده در مقالات علمی می‌تواند به کمک روش‌های سنجش پایایی<sup>۸</sup> بررسی مجدد شوند و یا ابعاد ادعاهای مطرح شده در محیط‌های واقعی، همراه با در نظر گرفتن روابط اجتماعی، از سوی کارشناسان تجزیه و تحلیل گردند. به همین منظور نویسندگان برای بیان بهتر میزان قطعیت و تعهد خود از این ساخت‌های زبانی بهره می‌گیرند. به طور طبیعی در متن‌های

<sup>۱</sup> hedge

<sup>۲</sup> G. Lakoff

<sup>۳</sup> G. Á. Apróné

<sup>۴</sup> R. Markkanen & H. Schröder

<sup>۵</sup> G. Kaltenböck & W. Mihatsch & S. Schneider

<sup>۶</sup> boosters

<sup>۷</sup> K. Hyland

<sup>۸</sup> reliability assessment

حساس و بحث برانگیز مانند متن‌های پزشکی، سیاسی، مذهبی و غیره این حساسیت‌ها دو چندان می‌شوند. اهمیت و جایگاه زبان تردید، از منظر زبان‌شناسی و روان‌شناسی زبان در متن مبدا، باعث شده است که پژوهشگران ترجمه نیز به بررسی علمی ترجمه تردیدنماها پردازند؛ چرا که کوچکترین اشتباه در انتقال میزان (عدم) قطعیت یک گزاره از زبان مبدا به مقصد، باعث فهم و برداشت نادرست در خواننده خواهد شد و چه بسا در موضوعات حساسی مانند پزشکی این برداشت نادرست باعث به خطر افتادن جان انسان‌ها و یا وارد شدن صدمات جبران ناپذیر به آن‌ها گردد. نظر به اهمیت موضوع تردیدنماها در امر ترجمه، شایسته است تا با بررسی رفتار مترجمان در خصوص چگونگی ترجمه این ساخت‌های زبانی، توجه هر چه بیشتر آن‌ها را به اهمیت و حساسیت تردیدنماها جلب نمود.

لذا پژوهش حاضر به بررسی روش‌های به کار گرفته شده از سوی دانشجویان مترجمی زبان انگلیسی در ترجمه تردیدنماها می‌پردازد. در این پژوهش از متن یک مقاله علمی در حوزه پزشکی استفاده شده است. دلیل انتخاب متن پزشکی، همانگونه که پیشتر نیز بدان پرداخته شد، حساسیت این نوع متن‌ها در ترجمه بوده است. در پژوهش حاضر، پس از بررسی و طبقه‌بندی روش‌های به کار گرفته شده، با استفاده از مدل پیسانسکی پترلین و زلاتنار مو<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) و به کمک مصاحبه گفتمان محور<sup>۲</sup> از دانشجویان درباره دلایل انتخاب‌های آن‌ها پرس و جو شد و تصمیم‌های دانشجویان بر اساس مفهوم مدیریت ریسک پیم<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) تجزیه و تحلیل شد.

## ۲. تردیدنما

تردیدنماها در یک دهه گذشته موضوع تحقیق بسیاری از زبان‌شناسان و پژوهشگران رشته‌های مرتبط بوده‌اند و تعداد پژوهش‌هایی که به این موضوع می‌پردازند همچنان رو به افزایش است (افشار، مرادی، و حمزوی، ۲۰۱۴؛ باروتو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸؛ بارو-بونیش،<sup>۵</sup> ۲۰۰۵؛ هو و چائو<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱؛ کالتنبوک، میهاتش، و اشنايدر، ۲۰۱۰؛ پیسانسکی پترلین و زلاتنار مو، ۲۰۱۶؛ یانگ<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳). تردیدنماها در حقیقت برای کاهش تعهد یک نویسنده، نسبت به ادعاهایی که مطرح کرده است، مورد استفاده قرار می‌گیرند (هایلند، ۱۹۹۸b؛ پیسانسکی پترلین و زلاتنار مو، ۲۰۱۶؛ ویلیام<sup>۸</sup>، ۱۹۸۵). دقیقاً به دلیل همین کاربرد است که هایلند (۱۹۹۸b) معتقد است تردیدنماها نقش تعیین کننده‌ای در گفتمان علمی ایفا می‌کنند، زیرا در متون علمی احتیاط و دقت از شروط لازم و مهم به حساب می‌آیند. البته مورد ذکر شده تنها دلیل استفاده رایج از تردیدنماها نیست، رعایت ادب (پرهیز از بی احترامی به دیگران) و توجه به ملاحظات فرهنگی (امکان وجود عقاید متفاوت و گاه متضاد) از دیگر دلایل استفاده از تردیدنماها هستند (بارو-بونیش، ۲۰۰۵؛ مایرز<sup>۹</sup>، ۱۹۸۹؛ استراس<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۴؛

<sup>1</sup> A. Pisanski Peterlin & M. Zlatnar Moe

<sup>2</sup> discourse-based interview

<sup>3</sup> A. Pym

<sup>4</sup> A. Barotto

<sup>5</sup> J. Burrough-Boenisch

<sup>6</sup> G. Hu & F. Cao

<sup>7</sup> Y. Yang

<sup>8</sup> J. V. K. William

<sup>9</sup> G. Myers

<sup>10</sup> C. Strauss

وارتالا<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹). وارتالا (۱۹۹۹) تردیدنما را نوعی راهبرد ادب سلبی<sup>۲</sup> می‌داند. از این رو می‌توان ادعا نمود که تردیدنماها ذیل کنش‌های حافظ و وجه<sup>۳</sup> نیز ممکن است طبقه بندی گردند.

یانگ (۲۰۱۳) به بررسی تردیدنماهای استفاده شده در نوشته‌های علمی زبان انگلیسی و چینی پرداخت. او از سه پایگاه داده برای این منظور بهره گرفت و تردیدنماها را بر اساس مدل هایلند (۱۹۹۸a) شناسایی و طبقه بندی کرد. از میان سه پایگاه داده منتخب، دو پایگاه به زبان انگلیسی بودند و دیگری به زبان چینی بود. در میان پایگاه‌های انگلیسی زبان نیز داده‌های یکی توسط خود انگلیسی زبان‌ها و دیگری توسط چینی زبان‌های مسلط به انگلیسی به وجود آمده بود. یانگ (۲۰۱۳) در مقاله خود به نظر سیلور<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) اشاره کرده است. سیلور (۲۰۰۳) معتقد بود که دوگانه تردیدنما-یقین‌نما به علت پیچیدگی‌های گفتمانی و برداشت‌های متفاوت نویسندگان از آن‌ها می‌تواند مشکل آفرین باشد. یانگ (۲۰۱۳) با استناد به همین دلیل از عبارت «تردیدنما» به عنوان واژه فراگیر برای هر دو این مفاهیم استفاده کرد. او در پژوهش خود به این نتیجه رسید که با وجود شباهت‌های نسبی میان تردیدنماهای استفاده شده در داده‌های مورد مطالعه، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در بسامد، پراکندگی و نوع تردیدنماهای بکار رفته، مشاهده می‌گردد. یانگ (۲۰۱۳) اعلام کرد که تعداد تردیدنماهای استفاده شده در پایگاه داده انگلیسی زبان‌ها دو برابر پایگاه داده انگلیسی چینی زبان‌هاست. او برای توضیح این مطلب به نقش زبان مادری و تفاوت‌های فرهنگی میان انگلیسی‌ها و چینی‌ها اشاره کرد.

نقش زبان مادری در (عدم) استفاده از تردیدنماها موضوع پژوهش بارو-بونیش (۲۰۰۵) نیز بوده است. او متن انگلیسی نوشته شده توسط هلندی زبان‌ها را برای چهل و پنج زیست‌شناس از هشت کشور مختلف ارسال کرد و از آن‌ها خواست که برای بهبود زبان متن هر تغییری را که لازم می‌دانند اعمال کنند. در میان چهل و پنج نفر انتخاب شده تعدادی زبان مادریشان انگلیسی بود و دیگران با زبان‌های مادری متفاوت به انگلیسی تسلط کامل داشتند. بعضی از افراد انتخاب شده پیشتر سابقه داوری برای مجلات علمی مرتبط را نیز دارا بودند. نتایج این پژوهش حساسیت تصحیح‌کنندگان متون علمی را نسبت به تردیدنماها نشان داد، چرا که بیش از نیمی از تغییرات اعمال شده متوجه تردیدنماها شده بودند. او همچنین نتیجه‌گیری کرد؛ آن دسته از تصحیح‌کنندگانی که زبان مادری آن‌ها انگلیسی است در استفاده از تردیدنماها به نوعی از شم زبانی خود کمک می‌گیرند و این مسئله را به عنوان دلیل استفاده زیاد آن‌ها از تردیدنماها معرفی کرد.

هو و چائو (۲۰۱۱) نیز به بررسی تردیدنماها و یقین‌نماها در چکیده مقالات زبان‌شناسی کاربردی در مجلات چینی و انگلیسی پرداختند. نتایج پژوهش مقایسه‌ای آن‌ها نیز نشان داد که تعداد تردیدنماها در مجلات انگلیسی و تعداد یقین‌نماها در مجلات چینی به شکل قابل ملاحظه‌ای بالا است. فامیان و کارگر (۱۳۹۲) نیز به بررسی تردیدنماها و یقین‌نماهای به کار گرفته شده در مقالات نقد کتاب‌های زبان‌شناسی ایران پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که منتقدان مرد از یقین‌نماهای بیشتری استفاده می‌کنند، اما در استفاده از تردیدنماها تفاوت چشمگیری میان مردان و زنان مشاهده نمی‌شود. آن‌ها نتایج خود را تا حدودی تایید کننده دیدگاه جنسیت‌گرا در کاربرد زبان دانستند. البته لازم به ذکر است که استفاده از تردیدنماها تنها مختص متون علمی نیست. به عنوان نمونه، تحریریان و شاهزمانی (۲۰۰۹) به بررسی تردیدنماها در سر

<sup>1</sup> T. Varttala

<sup>2</sup> negative politeness strategy

<sup>3</sup> face saving acts

<sup>4</sup> M. Silver

مقاله‌های روزنامه‌های انگلیسی و فارسی پرداختند. نتایج پژوهش‌ها آن‌ها نشان داد در روزنامه‌های انگلیسی سر مقاله‌های سیاسی، در مقایسه با سر مقاله‌های اقتصادی و اجتماعی حاوی تردیدناهای بیشتری بودند. اما در مقابل در روزنامه‌های فارسی زبان تعداد تردیدناها در سر مقاله‌های اقتصادی بیشتر بود.

### ۳. تردیدنا و ترجمه

جنبه‌های مختلف تردیدناها در حوزه ترجمه نیز توسط عده‌ای از پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفته است. مارکان و شرودر (۱۹۸۹) به بررسی تردیدناها به عنوان چالشی برای مترجمان متن‌های علمی پرداختند. آن‌ها تفاوتی که آکسل هوبلر<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) بین کم‌گویی<sup>۲</sup> و تردیدنا قایل شده بود را در نظر نگرفتند اما تعریف جامع هوبلر (۱۹۸۳) برای این دو مفهوم را به عنوان تعریف خود برای تردیدنا به کار گرفتند. هوبلر (۱۹۸۳) تردیدنا و کم‌گویی را به عنوان «راهبردهای دستکاری غیر مستقیم جمله برای بیان چیزی کمتر از آنچه مفهوم کلام است» (هوبلر، ۱۹۸۳: ۲۳) تعریف می‌کند. مارکان و شرودر (۱۹۸۹) تفاوت‌های فرهنگی و زبانی را در ترجمه تردیدناها در زبان‌های فنلاندی، آلمانی و انگلیسی دارای نقشی تعیین کننده دانستند. آن‌ها به بررسی این موضوع پرداختند که آیا در نظر گرفتن قراردادهای زبانی متفاوت در هر جامعه زبانی این امکان را به مترجمان می‌دهد که بنا به تشخیص خود تردیدناها را در متن ترجمه شده کم و یا زیاد کنند؟ آن‌ها ارائه پاسخ قابل قبول برای این پرسش را نیازمند برگزاری آزمون‌های روانشناسانه از خوانندگان هر زبان دانستند. مارکان و شرودر (۱۹۸۹) همچنین این مشکل را بخشی از آنچه هاوس<sup>۳</sup> (۱۹۸۱) از آن با عنوان ارتباط نقش اجتماعی<sup>۴</sup> در ترجمه یاد می‌کند، دانستند.

کریستینا شافنر<sup>۵</sup> (۱۹۹۸) نیز در فصلی از کتاب «کاربردشناسی ترجمه» به بررسی ترجمه تردیدناها در متون سیاسی با تمرکز بر زبان سیاستمداران پرداخت. او تردیدناها را از منظر ایدئولوژیک بررسی کرد و آن‌ها را در ارتباطی نزدیک با پیش‌فرض<sup>۶</sup> و تفهن<sup>۷</sup> دانست. از این رو او نقش اطلاعات فرهنگی و پیش‌زمینه‌های سیاسی را در ترجمه تردیدناهای متون سیاسی حساس ارزیابی کرد.

پیسانسکی پترلین و زلاتنار مو (۲۰۱۶) نیز به بررسی ترجمه تردیدناها در متون خبری پرداختند. آن‌ها از کارآموزان ترجمه خواستند که یک متن خبری حدوداً ۱۸۰۰ کلمه‌ای را از زبان انگلیسی به اسلونیایی ترجمه کنند. متن انتخاب شده درباره شهریه دانشگاه‌ها بود تا کارآموزان آشنایی نسبی نسبت به موضوع متن داشته باشند، اما باز هم تفاوت‌های نظام آموزشی بریتانیا و اسلونیایی باید توسط مترجمان در نظر گرفته می‌شد. سپس یک سوم از کارآموزان انتخاب شدند و قسمت‌هایی از جملات متن که حاوی تردیدناها بودند، از متن و ترجمه آن‌ها استخراج شد. در قدم بعد، به روش مصاحبه گفتمان محور از آن‌ها درباره ترجمه خودشان سوال شد. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که همه کارآموزان حداقل در یک مورد تردیدناها را حذف کرده و یا تغییر داده‌اند. آن‌ها از دلایل صرفی، نحوی، گفتمانی و فرهنگی

<sup>1</sup> A. Hübler

<sup>2</sup> understatement

<sup>3</sup> J. House

<sup>4</sup> social role relationship

<sup>5</sup> C. Schäffner

<sup>6</sup> presupposition

<sup>7</sup> implicature

برای توضیح این حذف‌ها و تغییرها نام بردند. البته آن‌ها نوع نگاه کارآموزان به موضوع متن (شهریه دانشگاه) را نیز موثر دانستند و بیان داشتند که برخی از کارآموزان در مصاحبه‌های خود تغییرات اعمال شده را توجیه کردند؛ چرا که آن‌ها معتقد بودند این تغییرات مفهوم اصلی متن را برای خوانندگان اسلونیایی روشن‌تر می‌سازد.

#### ۴. ترجمه به مثابه مدیریت ریسک

پیم (۲۰۱۵) در مقاله خود با عنوان «ترجمه به مثابه مدیریت ریسک»، مفهوم مدیریت ریسک در علم ترجمه را مورد بحث و بررسی قرار داد. او به نظریه‌های غربی ترجمه که در قرن بیستم مطرح شدند، اشاره کرد. در نظر او، این نظریه‌ها را می‌توان در دو گفتمان رایج ترجمه طبقه بندی کرد. یکی از این گفتمان‌ها به اصالت‌گرایی<sup>۱</sup> و یا انتقال معنی لاکینی<sup>۲</sup> (برگرفته از دیدگاه‌های جان لاک<sup>۳</sup>) مشهور است که معتقد است یک مفهوم را می‌توان به شکل کامل و تمام در زبان‌های گوناگون بیان کرد (پیم، ۲۰۱۵). دیدگاه دوم، دیدگاه اصالت‌زدا<sup>۴</sup> و یا ساخت‌زدا<sup>۵</sup> نامیده می‌شود که معتقد است ترجمه الزاماً نوعی تغییر در مفهوم را با خود به همراه دارد (پیم، ۲۰۱۵). از نظر پیم (۲۰۱۵) تحلیل تصمیمات مترجم در چارچوب مفهوم مدیریت ریسک می‌تواند تا حدی این اختلافات نظری میان پژوهشگران علم ترجمه را کاهش دهد. پیم (۲۰۱۵: ۶۷) سه نوع ریسک را برای مترجمان به شرح زیر تعریف می‌کند:

۱. ریسک اعتباری<sup>۶</sup>؛ به ریسکی گفته می‌شود که اعتبار و جایگاه مترجم را در نظر کارفرما، خواننده، جامعه و غیره تهدید می‌کند.
  ۲. ریسک عدم قطعیت<sup>۷</sup>؛ به مواردی اشاره دارد که مترجم مطمئن نیست که یک مفهوم از زبان مبدا را چگونه به زبان مقصد منتقل کند. در این مورد تصمیمات مترجم مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این ریسک بیشتر ناظر بر فریندهای شناختی<sup>۸</sup> ترجمه است.
  ۳. ریسک ارتباطی<sup>۹</sup>؛ ناظر بر چگونگی دریافت و فهم یک متن در شرایط و گفتمان‌های مختلف است. پیم (۲۰۱۵) این مورد را به دو دسته پرخطر و کم‌خطر تقسیم بندی می‌کند. از نظر او ریسک‌هایی که در ارتباط‌گیری متن با مخاطبین آن اخلاص ایجاد می‌کنند، ریسک‌های ارتباطی پرخطر هستند و مترجم باید زمان و توان بیشتری را برای ترجمه درست آن‌ها اختصاص دهد.
- در نظر آنتونی پیم (۲۰۱۵) نیز مرزبندی میان موارد سه گانه مطرح شده ممکن است تا حدودی گیج‌کننده به نظر برسد اما او معتقد است بررسی ترجمه با رویکرد مدیریت ریسک، به طور خاص برای نظریات اصالت‌زدایی که ترجمه را به شکل ارتباط اجتماعی تعریف می‌کنند، می‌تواند کارگشا باشد.

<sup>1</sup> essentialism

<sup>2</sup> Lockean

<sup>3</sup> John Locke

<sup>4</sup> non-essentialism

<sup>5</sup> deconstructionist

<sup>6</sup> credibility risk

<sup>7</sup> uncertainty risk

<sup>8</sup> cognitive process

<sup>9</sup> communicative risk

## ۵. روش پژوهش

تردیدنماها مانند نامشان محل تردیدهای بسیاری برای مترجمان بوده‌اند. بسیاری از پژوهشگران از تردیدنماها به عنوان مشکلی احتمالی در برقراری ارتباط بین فرهنگی یاد کرده‌اند (هو و چائو، ۲۰۱۱؛ ایتاکورا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳؛ پیسانسکی پترلین و زلاتنار مو، ۲۰۱۶؛ صداقت، بی‌ریا، و امیرآبادی، ۲۰۱۵؛ یانگ، ۲۰۱۳). از طرف دیگر کارکرد ذاتی تردیدنماها تغییر توان منظوری<sup>۲</sup> کنش‌های گفتاری است (هولمز<sup>۳</sup>، ۱۹۸۴؛ هو و چائو، ۲۰۱۱؛ پیسانسکی پترلین و زلاتنار مو، ۲۰۱۶؛ واسیلوا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱). از این رو هر گونه تغییری در تردیدنماها در فرآیند ترجمه، توان منظوری متن ترجمه شده را تحت تاثیر قرار خواهد داد. بنابراین تردیدنماها خطری بالقوه برای مترجمان به حساب می‌آیند. به همین علت در این پژوهش نظریات آنتونی پیم (۲۰۱۵) پیرامون مدیریت ریسک در ترجمه برای بررسی نتایج مورد استفاده قرار گرفته است.

در ابتدا یک متن علمی در حوزه پزشکی، به طور خاص زیست‌شناسی سلولی، انتخاب شد. سپس پانزده نفر از دانشجویان کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، علاقمند به همکاری، به عنوان شرکت‌کنندگان این پژوهش انتخاب شدند. دانشجویان انتخاب شده از دانشجویان سال سوم و چهارم کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) بودند تا به توانایی علمی و زبانی لازم برای ارائه یک ترجمه استاندارد رسیده باشند. در انتخاب دانشجویان دقت شده بود که آن‌ها دروس روش تحقیق و مقاله‌نویسی را با موفقیت گذرانده باشند. دلیل این موضوع این بود که دانشجویان نسبت به زبان متن‌های علمی آشنایی حداقلی را پیدا کرده باشند.

بخش «بحث و نتایج» متن انتخاب شده جهت ترجمه در اختیار دانشجویان قرار گرفت<sup>۵</sup>. متن انتخاب شده در حدود ۲۴۰۰ واژه بود و لازم به ذکر است که دانشجویان برای ارائه ترجمه‌های خود محدودیت خاصی نداشتند به این معنا که لازم نبود متن را در کلاس و یا به صورت یک مرتبه ترجمه کنند. دانشجویان برای ارائه ترجمه‌های خود یک هفته زمان داشتند و همچنین آزاد بودند که از هر چیزی که لازم می‌دانند شامل فرهنگ واژگان، اینترنت و غیره برای ترجمه بهتر بهره بگیرند. در مورد واژه‌های تخصصی متن نیز به آن‌ها گفته شده بود که در صورت نیافتن معادل مناسب از روش نویسه‌گردانی<sup>۶</sup> کمک بگیرند. علت انجام این کار آن بود که شرایط حاکم برای ترجمه متن انتخاب شده به شرایط واقعی که برای مترجمین در خارج از محیط‌های آموزشی قرار دارد شبیه باشد. سپس ترجمه‌های آن‌ها جمع‌آوری شد و روش‌های ترجمه به کار گرفته شده از سوی دانشجویان برای ترجمه تردیدنماها شناسایی و طبقه‌بندی شدند. لازم به ذکر است که برای شناسایی تردیدنماها در متن اصلی نیز از چارچوب نظری هایلند (۱۹۹۸a) بهره گرفته شد. بسامد و درصد هر یک از روش‌های ترجمه برای اهداف تحلیلی اندازه‌گیری و در جدول و نمودار شماره ۱ ارائه شدند. سپس پس از

<sup>1</sup> H. Itakura

<sup>2</sup> illocutionary force

<sup>3</sup> J. Holmes

<sup>4</sup> I. Vassileva

<sup>۵</sup> مشخصات متن (مقاله) انتخاب شده برای ترجمه به شرح زیر است:

Sui, X., Arlt, H., Brock, K. P., Lai, Z. W., DiMaio, F., Marks, D. S., . . . Walther, T. C. (2018). Cryo-electron microscopy structure of the lipid droplet-formation protein seipin. *The Journal of Cell Biology*, 217(10). doi:10.1083/jcb.201809067

<sup>۶</sup> transliteration



یک هفته بررسی ترجمه‌ها، حدود نیمی از دانشجویان (هفت نفر) به طور تصادفی برای مصاحبه نیمه ساختار یافته<sup>۱</sup> گفتمان محور انتخاب شدند. طبق قاعده مصاحبه نیمه ساختار یافته گفتمان محور سوالات مصاحبه از پیش تعیین نشده بودند اما موضوع کلی مصاحبه به بررسی ترجمه تردیدنماها اختصاص پیدا کرده بود. بدین ترتیب از دانشجویان راجع به ترجمه‌های تردیدنماها سوال شد و در عین حال از آن‌ها خواسته شد که دلایل تصمیمات خود را شرح دهند. مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شوندگان برای پرسش‌ها و پاسخ‌های خود، بنا بر قاعده این دست مصاحبه‌ها، از چارچوب خاصی پیروی نکردند؛ اما مصاحبه‌های دانشجویان توسط مصاحبه‌کننده برای بررسی‌های بیشتر ضبط شد. البته این موضوع پیشتر به اطلاع مصاحبه‌شوندگان رسیده بود که این گفته‌ها تنها برای اهداف پژوهشی مورد استفاده قرار می‌گیرند و هویت آن‌ها در پژوهش نیز مشخص نخواهد بود. در مرحله آخر، گفته‌های دانشجویان در مصاحبه‌های ضبط شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نظرات و دلایل آن‌ها به طور کلی بررسی شد.

بخش مهمی از داده‌های پژوهش‌های تجربی حوزه علوم انسانی از طریق مصاحبه‌های شبه ساختار یافته جمع آوری می‌شود (کمپل و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). اما مسئله مهمی که در مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته نیازمند توجه است؛ رسیدن به میزان قابل قبولی از پایایی میان کدگذاران<sup>۳</sup> این گونه مصاحبه‌هاست. در این پژوهش برای افزایش پایایی میان کدگذاران از راهبرد کمپل و همکارانش (۲۰۱۳) برای کدگذاری مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته استفاده شد. در این راهبرد لازم است که تعداد کدگذاران دو نفر یا بیشتر باشند که این نکته در مورد تعداد پژوهشگران مطالعه حاضر صدق می‌کند. از آنجا که در مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته، سوالات مصاحبه‌ها به نسبت مصاحبه‌های ساختار یافته مستقیم و دقیق به موضوع مورد بحث نمی‌پردازند، گاه پاسخ مصاحبه‌شوندگان طولانی است، به همین دلیل واحد تحلیل<sup>۴</sup> برای کدگذاری ممکن است از واژه، جمله و یا حتی پاراگراف فراتر رود. همچنین در انتخاب واحدها معمولاً وحدت رویه‌ای از سوی کدگذاران مشاهده نگردد. برای حل این مشکل به روش کمپل و همکارانش (۲۰۱۳) ابتدا یکی از پژوهشگران که به موضوع مورد مصاحبه مسلط‌تر بود، پس از تهیه رونوشت از متن مصاحبه‌ها، واحدهای تحلیل برای کدگذاری، که شامل واحدهای معنایی بودند، را با کمانک مشخص کرد و سپس متن را برای کدگذاری واحدهای نشان شده در اختیار دیگر پژوهشگران قرار داد. پس از کدگذاری مصاحبه‌ها، به کمک راهبرد توافق از طریق مذاکره<sup>۵</sup> نقاط اختلاف در کدگذاری‌ها بحث و تا حد زیادی رفع شد. اگرچه معمولاً برای سنجش پایایی میان کدگذاران به روش کدگذاری انفرادی عمل می‌شود، اما کمپل و همکارانش (۲۰۱۳) معتقد هستند که روش توافق میان کدگذاران در پژوهش‌های اکتشافی<sup>۶</sup>، که در آن‌ها لایه‌های زیرین معنایی مورد بررسی هستند، مفید و کاربردی خواهد بود. در مجموع ۳۵ واحد معنایی در همه مصاحبه‌ها کدگذاری شده بود که پس از توافق روی کدگذاری‌ها پژوهشگران در ۲۹ مورد به واحدهای معنایی نشان شده کدهای یکسانی اختصاص دادند که در این صورت پایایی میان کدگذاران در حدود ۸۲ درصد خواهد

<sup>1</sup> semi-structured interview

<sup>2</sup> Campbell et al.

<sup>3</sup> inter-coder reliability

<sup>4</sup> unit of analysis

<sup>5</sup> negotiated agreement

<sup>6</sup> exploratory research

بود. آنگونه که فاهی<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) معتقد است؛ پایایی میان کد گذاران در بازه ۷۰ تا ۹۰ درصد را از قابل قبول تا عالی می توان رده بندی نمود؛ اما در پژوهش های اکتشافی گاهی استانداردهای پایین تر نیز مجاز قلمداد می شوند (کمپل و همکاران، ۲۰۱۳؛ هروشکا و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴؛ کریپندورف<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴).

## ۶. بحث و بررسی یافته های پژوهش

با بررسی ترجمه های دانشجویان، سه روش<sup>۴</sup> مواجهه آنها با تردیدناها شناسایی شدند. انتقال<sup>۵</sup>، تغییر<sup>۶</sup> و حذف<sup>۷</sup> سه روش به کار گرفته شده از سوی مترجمان در ترجمه تردیدناهای متن انتخاب شده، بودند. بسامد و درصد هر یک از این روش ها محاسبه شده و در جدول شماره ۱ ارائه گردیده است.

جدول ۱- بسامد و درصد روش های به کار گرفته شده در ترجمه تردیدناها در مجموع و به تفکیک هر یک از دانشجویان

روش ترجمه						شرکت کنندگان
حذف		تغییر		انتقال		
درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	
۱۲,۱۲	۴	۲۷,۲۷	۹	۶۰,۶۰	۲۰	دانشجو شماره ۱
۲۷,۲۷	۹	۳۳,۳۳	۱۱	۳۹,۳۹	۱۳	دانشجو شماره ۲
۶,۰۶	۲	۱۸,۱۸	۶	۷۵,۷۵	۲۵	دانشجو شماره ۳
۹,۰۹	۳	۳۳,۳۳	۱۱	۵۷,۵۷	۱۹	دانشجو شماره ۴
۲۷,۲۷	۹	۳۶,۳۶	۱۲	۳۶,۳۶	۱۲	دانشجو شماره ۵
۶,۰۶	۲	۳۰,۳۰	۱۰	۶۳,۶۳	۲۱	دانشجو شماره ۶
۰,۰۰	۰	۳۰,۳۰	۱۰	۶۹,۶۹	۲۳	دانشجو شماره ۷
۲۴,۲۴	۸	۲۱,۲۱	۷	۵۴,۵۴	۱۸	دانشجو شماره ۸
۶,۰۶	۲	۱۵,۱۵	۵	۷۸,۷۸	۲۶	دانشجو شماره ۹
۱۸,۱۸	۶	۳۳,۳۳	۱۱	۴۸,۴۸	۱۶	دانشجو شماره ۱۰
۳,۰۳	۱	۶,۰۶	۲	۹۰,۹۰	۳۰	دانشجو شماره ۱۱
۲۷,۲۷	۹	۱۲,۱۲	۴	۶۰,۶۰	۲۰	دانشجو شماره ۱۲
۲۴,۲۴	۸	۳۶,۳۶	۱۲	۳۹,۳۹	۱۳	دانشجو شماره ۱۳
۲۷,۲۷	۹	۱۲,۱۲	۴	۶۰,۶۰	۲۰	دانشجو شماره ۱۴
۲۷,۲۷	۹	۳۳,۳۳	۱۱	۳۹,۳۹	۱۳	دانشجو شماره ۱۵
۱۶,۳۶	۸۱	۲۵,۲۵	۱۲۵	۵۸,۳۸	۲۸۹	مجموع

<sup>1</sup> P. J. Fahy

<sup>2</sup> Hruschka et al.

<sup>3</sup> K. Krippendorff

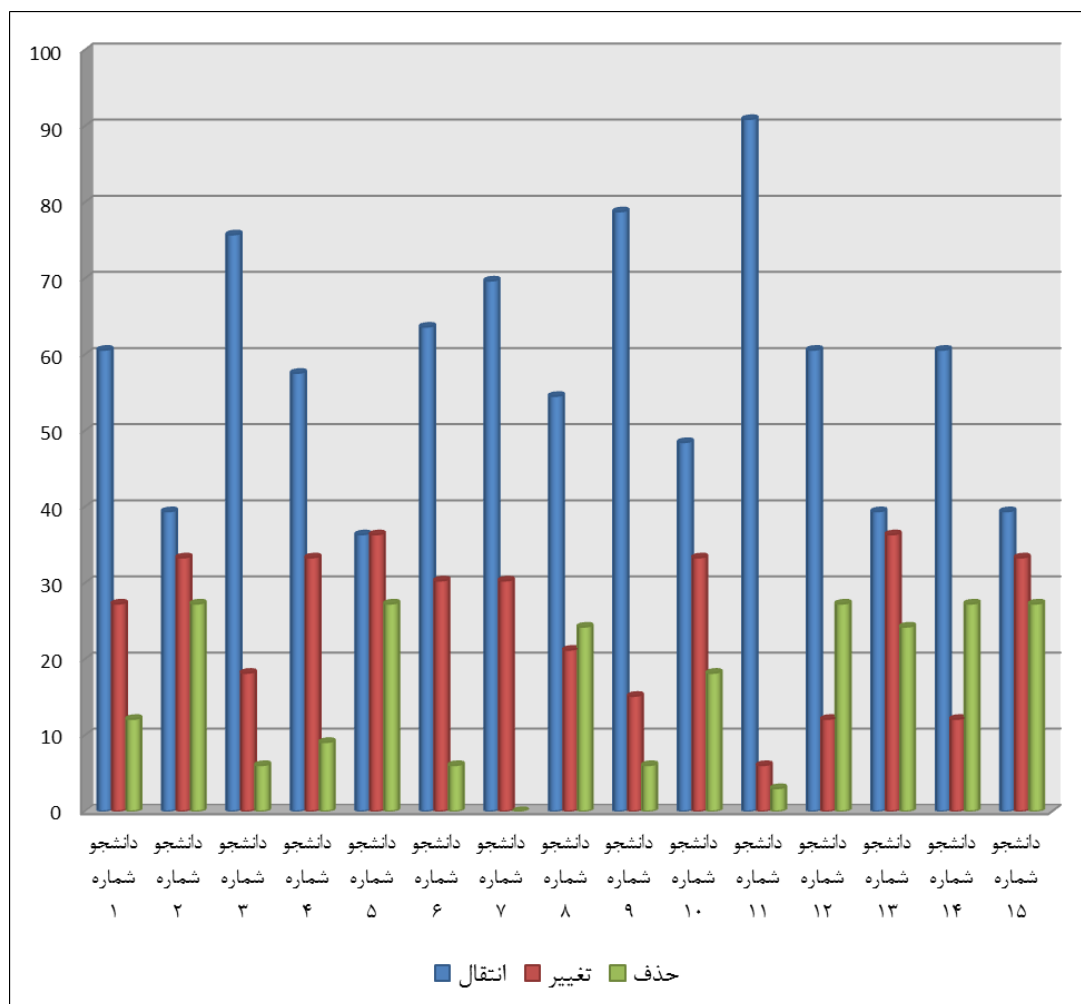
<sup>4</sup> procedure

<sup>5</sup> transfer

<sup>6</sup> alteration

<sup>7</sup> deletion

با تکیه بر چارچوب نظری هایلند (۱۹۹۸a) در مجموع سی و سه تردیدنما در متن اصلی شناسایی شدند. بررسی ترجمه دانشجویان نشان می‌دهد که رویه ثابتی از سوی دانشجویان در ترجمه تردیدنماها به کار بسته نشده است. به عنوان نمونه دانشجویان شماره ۳، ۹ و ۱۱ در مقایسه با دانشجویان شماره ۲، ۵ و ۱۳ تعداد بیشتری از تردیدنماها را انتقال داده‌اند. جهت مشاهده دقیق‌تر تصمیمات دانشجویان نسبت یکدیگر نمودار شماره ۱ آماده و ارائه شد.



نمودار ۱) بسامد و درصد روش‌های به کار گرفته شده در ترجمه تردیدنماها به تفکیک هریک از دانشجویان

در ادامه تعدادی از جملات ترجمه شده از سوی دانشجویان به عنوان مثال ارائه شده‌اند.

#### - انتقال

- In this model, oligomerization **could** also serve to restrict the diameter of the neck of the budding LDs. Finally, seipin **may** facilitate lipid transfer to nascent LDs.

- در این مدل الیگومریزاسیون همچنین **می تواند** منجر به محدود ساختن قطر تنگه قطرات چربی (LDs) تازه تشکیل شده گردد. نهایتاً ساین **شاید** انتقال چربی را به قطرات چربی تازه تشکیل شده سرعت بخشد.

همانگونه که در مثال فوق مشخص است تردیدنماهای انگلیسی «could» و «may» به تردیدنماهای فارسی «می تواند» و «شاید» ترجمه شده‌اند.

### - تغییر

- However, Arg165Ala mutation did not alter seipin oligomerization (Fig. S3 C), and either Arg165Ala or Phe94Ala only showed an effect on oligomerization when combined with a Tyr230Ala mutation, **suggesting** a less critical role for Arg165 and Phe94 in oligomer formation (Fig. S3 C). These results **indicate** that the seipin structural model correctly predicts key interactions between seipin monomers in vitro, although the precise interactions at this interface require further investigation.

- اما جهش Arg165Ala، الیگومریزاسیون شدن ساین را تغییر نداد (نمودار C S3) و هر دو مورد Arg165Ala و Phe94Ala تاثیر خود را تنها بر فرآیند الیگومریزاسیون و در هنگامی که با جهش Tyr230Ala ترکیب شدند، نشان دادند و این **نشان دهنده** حساسیت کمتر نقش Arg165 و Phe94 در تشکیل الیگومر است (نمودار C S3). این نتایج **نشان می دهد** که مدل ساختاری ساین به درستی اثرات متقابل مهم میان تک‌پارهای ساین را در شرایط آزمایشگاهی پیش بینی می کند. اگرچه که اثرات متقابل دقیق نیازمند بررسی های بیشتر است.

در مثال بالا دو تردیدنمای «suggest» و «indicate»، هر دو به ساخت های متفاوت مصدر «نشان دادن» ترجمه شده‌اند. ترجمه تردیدنمای «suggesting» به «نشان دهنده» می تواند با تغییر توان منظوری متن مبدا بر فهم مخاطبین ترجمه از منظور دقیق نگارنده اثر منفی بگذارد<sup>۱</sup>.

مثال بالا از ترجمه یکی از دانشجویان مصاحبه شده استخراج شد و سپس در مورد این مثال با او صحبت شد که بخشی از این گفت و گو درباره این جمله به عنوان نمونه ارائه شد زیرا که توجه اصلی این پژوهش به دلایل تغییر و یا حذف تردیدنماها از سوی دانشجویان معطوف بوده است.

<sup>۱</sup> در مثال بالا، اگرچه که ممکن است عبارت «نشان دهنده» معادل مناسبی برای «suggesting» به نظر بیاید اما این معادل توان منظوری ترجمه را نسبت به متن اصلی تغییر داده است، زیرا در زبان انگلیسی «suggest» نسبت به «indicate» از قطعیت کمتر و تردید بیشتری خبر می دهد. اما همانطور که مشاهده شد، در ترجمه فارسی برای هر دو مورد از ساخت های متفاوت مصدر «نشان دادن» استفاده شده است؛ بنابراین خواننده متن فارسی متوجه این تفاوت مهم، که جمله اول نسبت به جمله دوم از قطعیت کمتری برخوردار است، نخواهد شد. به عبارت دیگر اگر از یک مترجم بخواهیم عمل ترجمه معکوس (Back Translation) را انجام دهد، به احتمال زیاد او نیز از یک عبارت معنایی واحد برای ترجمه هر دو مورد استفاده خواهد کرد. البته این مشکل ناشی از عدم یافتن معادل مناسب برای تردیدنماهای انگلیسی است که از سوی پژوهشگران دیگری مانند پیسانسکی پترلین و زلاتنار مو (۲۰۱۶) نیز بدان اشاره شده است. در ادامه، به این مورد اشاره دقیق تری خواهد شد.

مصاحبه کننده: «تو جمله 'suggesting a less critical role for Arg165' برای ترجمه 'suggesting' از «نشان دهنده» استفاده کردی دیگه؟»

مصاحبه شونده: «بله.»

مصاحبه کننده: «چرا؟ به ترجمه دیگه‌ای فکر نکردی؟ چون آخه توی جمله بعدی 'indicate' هم «نشان می‌دهد» ترجمه کردی، به نظرت اینکه هر دو را از یک مصدر ترجمه کردی معنی متن را تغییر نمیده؟»

مصاحبه شونده: «فکر نکنم چون همون را می‌خواد بگه دیگه، برای 'suggest' پیشنهاد و اینا تو ذهنم بود که تو فارسی اینجوری نمیکن.»

مصاحبه کننده: «یعنی معادل مناسب دیگه‌ای به ذهنت نرسید؟»

مصاحبه شونده: «نه.»

مصاحبه کننده: «خیلی هم به ترجمه متفاوت برای 'suggest' فکر هم نکردی؟ درسته؟ یعنی خیلی روش تمرکز نکردی؟»

مصاحبه شونده: «اینکه خیلی بهش فکر کنم خُب نه. همون لحظه ترجمه را نوشتم. فکر هم نکنم اونقدر تغییری تو معنا ایجاد کرده باشه.»

مصاحبه کننده: «برای 'monomer' از معادل تک‌پار استفاده کردی، از قبل معادلش را می‌دونستی؟»

مصاحبه شونده: «نه، سرچ کردم.»

مصاحبه کننده: «یعنی به نسبت ترجمه 'suggesting' زمان بیشتری صرفش کردی؟»

مصاحبه شونده: «بله، چون هم نمی‌دونستم معنیش را و هم خُب به نظرم این مهمتره تو متن.»

مصاحبه کننده: «چرا مهم تره؟»

مصاحبه شونده: «چون تخصصیه، اگه مترجم این را دقیق ترجمه کنه اونوقت معلوم میشه رو ترجمش کار کرده.»

#### - حذف

- Even the Y171A mutant, which most compromised oligomerization in vitro, rescued the LD phenotype and maintained the ability to form foci in the ER, **likely indicating** the assembly of oligomers or higher-order complexes (Fig. 4 D).

- حتی جهش Y171A که بیشتر الیگومریزاسیون شدن در شرایط آزمایشگاهی را شامل می‌گردد فنوتیپ قطرات چربی (LD) را رها ساخته و توانایی تشکیل کانون در شبکه درمیان‌یاخته‌ای (ER) را حفظ کرده است که این مسئله **نشان** از اجتماع الیگومرها یا مجموعه‌های بالا مرتبه‌تر دارد.

آنگونه که در مثال بالا مشاهده می‌گردد، تردیدنمای «likely» که از «احتمال» (و نه قطعیت) خبر می‌دهد در ترجمه حذف شده است که این حذف باعث می‌گردد خواننده متن فارسی گزاره (اجتماع الیگومرها یا مجموعه‌های بالا مرتبه تر) را قطعی پندارد. گفت و گو مربوط به این ترجمه (مثال بالا) نیز به شرح زیر است:

مصاحبه کننده: «بخش آخر این جمله هستش؛ 'likely indicating the assembly of'، ترجمت را می‌خونی لطفاً؟»

مصاحبه شونده: «این مسئله نشان از اجتماع الیگومرها یا مجموعه‌های بالا مرتبه تر دارد.»

مصاحبه کننده: «به نظرت نسبت به جمله انگلیسی معنایش تفاوتی پیدا نکرده؟ آخه 'likely' یه جورهایی معنی احتمال و شاید میده ولی تو ترجمت حذفش کردی.»

مصاحبه شونده: «آره ولی معنای اصلی را منتقل کردم.»

مصاحبه کننده: «آخه می‌دونی چیه، تو متن‌های علمی معمولاً می‌گن برای نتایج احتمالاً و شاید بگذارید چون مثلاً بعداً ممکنه با پیشرفت علم به چیزهای جدیدتری هم برسند.»

مصاحبه شونده: «درسته ولی بیشتر یک چیز فرمالیتست»

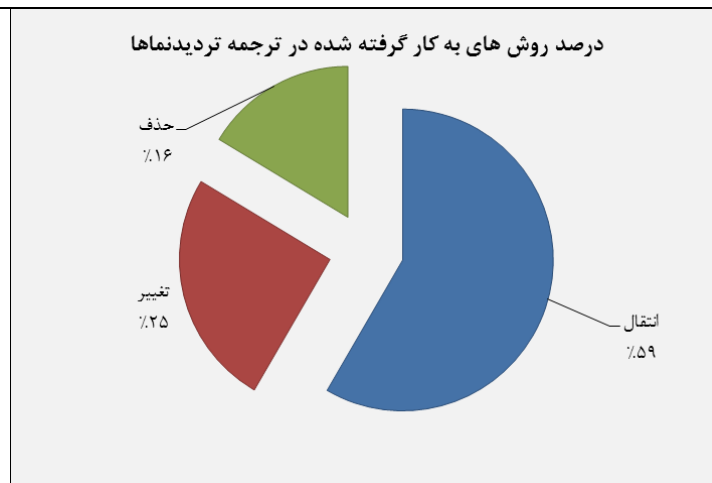
مصاحبه کننده: «یعنی تغییرش خیلی هم به نظرت مهم نیما؟»

مصاحبه شونده: «نه آخه تو انگلیسی خیلی به کار میرن ولی تو فارسی زیاد هم استفاده نمیشن.»

مصاحبه کننده: «یعنی منظورت اینه که اگه استفاده می‌کردی مثلاً به روان بودن ترجمه فارسی ضربه می‌زدی؟»

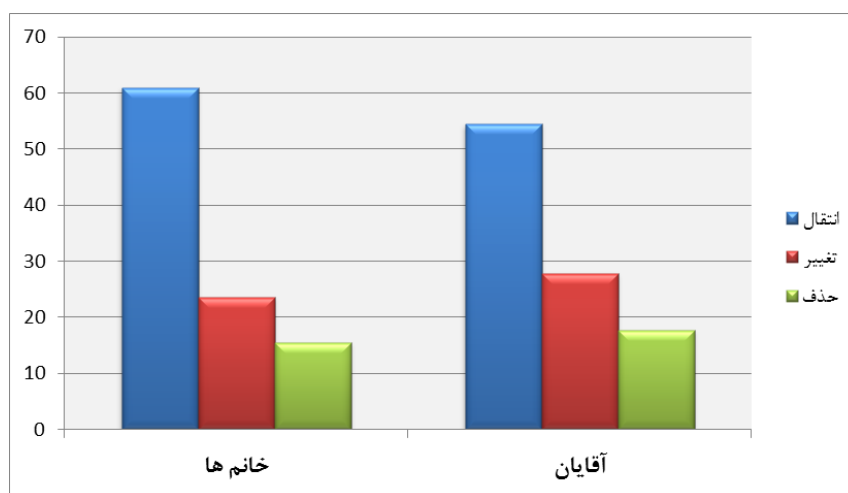
مصاحبه شونده: «به نظر من آره.»

نمودار (۲) نشان دهنده درصد کلی هر یک از این روش‌های به کار گرفته شده در ترجمه‌های بررسی شده است. با توجه به این نمودار، نزدیک به ۶۰ درصد تردیدناها به متن ترجمه شده انتقال یافته‌اند؛ اما حدود ۱۵ درصد آن‌ها حذف شده‌اند. شاید عدد ۱۵ درصد رقم خیلی بزرگی برای حذف در ترجمه به حساب نیاید؛ زیرا که معمولاً تعدادی از عناصر متن اصلی به دلایل متفاوت در ترجمه حذف می‌شوند. اما زمانی که بحث ترجمه متن علمی به خصوص از حوزه پزشکی در میان است، حساسیت‌ها دو چندان می‌شود. آن‌گونه که پیشتر نیز بحث شد، اشتباه در برداشت (عدم قطعیت یک گزاره در علم پزشکی می‌تواند خسارات جبران ناپذیری با خود به همراه داشته باشد. دلیل انتخاب متن پزشکی برای بررسی در این پژوهش نیز دقیقاً همین موضوع بوده است.



### نمودار ۲) درصد مجموع روش‌های به کار گرفته شده در ترجمه تردیدنماها از سوی دانشجویان

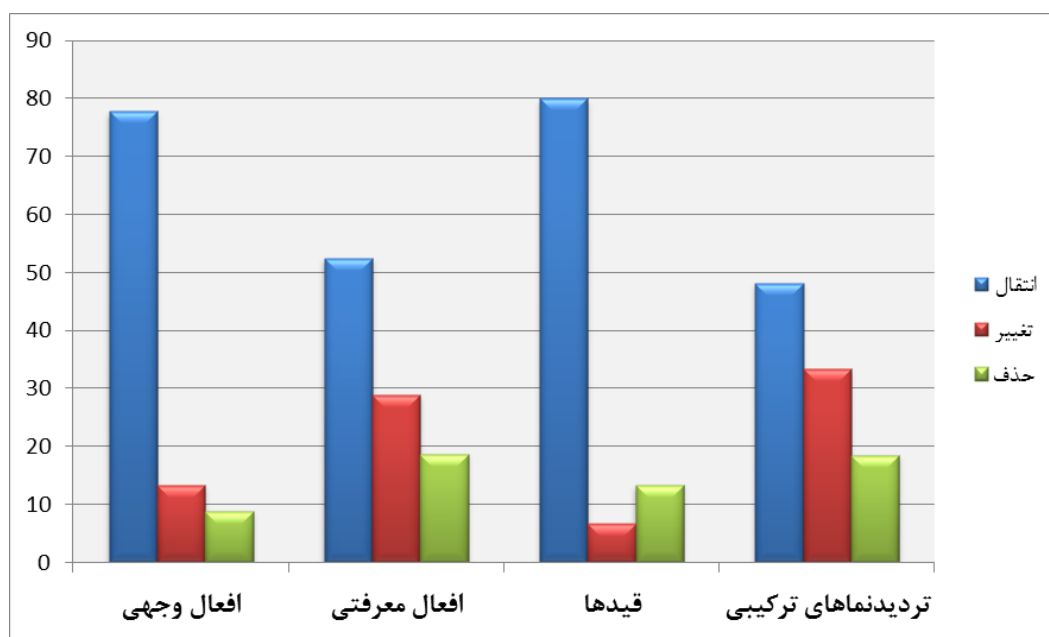
توجه اصلی پژوهش حاضر به بسامد روش‌های به کار گرفته شده از سوی مترجمان فارغ از جنسیت آن‌ها بوده است، اما در ادامه نمودار مقایسه‌ای میان عملکرد خانم‌ها و آقایان شرکت‌کننده در این پژوهش نیز ارائه شده است. از پانزده نفر شرکت‌کننده در این پژوهش، نه نفر خانم و بقیه آقا بودند. درصدهای زیر به نسبت تعداد خانم‌ها و آقایان محاسبه و ارائه شده‌اند.



### نمودار ۳) درصد روش‌های به کار گرفته شده از سوی دانشجویان به تفکیک جنسیت

همانگونه که از نمودار (۳) مشخص است، تفاوت چشمگیری میان خانم‌ها و آقایان در ترجمه تردیدنماها مشاهده نمی‌شود. از این نظر نتایج این پژوهش تا حدودی تأییدکننده یافته‌های فامیان و کارگر (۱۳۹۲) پیرامون برخورد یکسان خانم‌ها و آقایان در استفاده از تردیدنماها است. فامیان و کارگر (۱۳۹۲) نشان دادند، برعکس یقین‌نماها، در مقیاس ۱۰۰۰ واژه تفاوت قابل ملاحظه‌ای در استفاده از تردیدنماها میان خانم‌ها و آقایان مشاهده نمی‌شود.

آن طور که پیشتر نیز شرح داده شد، در پژوهش حاضر، برای شناسایی تردیدناها از مطالعه هایلند (۱۹۹۸a) بهره گرفته شده است. در این مطالعه اگرچه هایلند (۱۹۹۸a) به بعضی گونه‌های تردیدنا و یقین‌نا اشاره می‌کند؛ اما او طبقه‌بندی دقیق و مدونی در این مورد ارائه نمی‌دهد. تردیدناهای شناسایی شده در بخش «بحث و نتایج» متن علمی مورد مطالعه در این پژوهش را، بر اساس گروه‌های زبانی، می‌توان به چهار گروه دسته بندی نمود. گروه اول شامل افعال وجهی<sup>۱</sup> مانند could و may است. گروه دوم از افعال معرفتی<sup>۲</sup> مانند indicate و suggest تشکیل می‌شود. گروه سوم متشکل از قیدهایی مانند possibly و likely است و در نهایت تردیدناهای گروه چهارم، که در این پژوهش آن‌ها را تردیدناهای ترکیبی یا تردیدناهای مضاعف<sup>۳</sup> می‌نامیم؛ ناظر بر مواردی است که دو تردیدنا یا بیشتر در یک جمله استفاده شده‌اند، مانند: seems unlikely یا ... but may also ... may not only ... رفتار مترجمان نسبت به هر یک از گروه‌های زبانی بالا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نمودار (۴) در این زمینه آماده و ارائه شد.



نمودار ۴) درصد روش‌های به کار گرفته شده از سوی دانشجویان برای ترجمه تردیدناهای گروه‌های زبانی چهارگانه

در ادامه برای بررسی دلایل دانشجویان از هفت نفر آن‌ها که به‌طور تصادفی انتخاب شده بودند، مصاحبه نیمه ساختاریافته گفتمان‌محور به عمل آمد. بخش‌هایی از این مصاحبه‌ها در بخش مثال‌ها به عنوان نمونه ارائه شد. در مصاحبه‌ها سعی شد تا بیشتر درباره تردیدناهایی که آن‌ها حذف کرده و یا تغییر داده بودند سوال شود. اکثر دانشجویان متوجه تردیدناها شده بودند و فقط در بعضی موارد، افعال معرفتی مانند «indicate» و «suggest» را که از نظر هایلند

<sup>1</sup> modal verbs

<sup>2</sup> epistemic verbs

<sup>3</sup> Double hedging



(۱۹۹۸a) تردیدنما تلقی می‌شوند، تردیدنما به حساب نیآورده بودند و تعریف خود از تردیدنما را به افعال وجهی مانند «may»، «could» و غیره محدود کرده بودند. دقیقاً به همین دلیل است که در نمودار (۴) بیشترین میزان انتقال مربوط به افعال وجهی و قیده‌ها بود و بیشترین میزان حذف یا تغییر مربوط به افعال معرفتی و تردیدنماهای ترکیبی و مضاعف بود. اگرچه نمودار (۴) می‌تواند تصویری کلی از تصمیمات شرکت‌کنندگان در این پژوهش هنگام ترجمه تردیدنماهای گروه‌های زبانی گوناگون را ارائه دهد، اما نتایج ارائه شده در نمودار (۴) نمی‌تواند به مثابه یک حکم کلی و قطعی درباره رفتار مترجمان نسبت به تردیدنماهای هریک از این گروه‌های زبانی قلمداد شود؛ زیرا تعداد تردیدنماهایی که نماینده هریک از این گروه‌های زبانی در متن بودند، یکسان و یا حتی متناسب نبودند. به عنوان مثال، تعداد افعال معرفتی متن (۱۵) در حدود بیش از دو برابر تعداد افعال وجهی متن (۶) بود و همین تعداد بیشتر می‌تواند در تغییر و یا حذف افعال معرفتی تأثیرگذار بوده باشد. لازم به ذکر است که وجود پراکندگی و تفاوت قابل ملاحظه در نوع تردیدنماهای استفاده شده در متن‌های علمی، مسئله‌ای طبیعی است که یانگ (۲۰۱۳) نیز در نتایج خود بدان اشاره کرده است. اما در هر حال درصدهای ارائه شده در نمودار (۴) به نسبت تعداد تردیدنماهای هریک از این گروه‌های زبانی محاسبه و ارائه شده‌اند تا بدین وسیله تصویری هر چه دقیق‌تر از تصمیمات مترجمان نسبت به هریک از این گروه‌ها را ارائه دهند.

با این همه، احتمالاً می‌توان نتیجه گرفت که دلیل اصلی تغییر یا حذف تردیدنماها، گام اول یعنی عدم تشخیص آن‌ها توسط مترجم نبوده است. تشخیص تردیدنماها توسط دانشجویان را تا حدودی می‌توان ناشی از این موضوع دانست که آن‌ها با گذراندن واحدهای درسی مرتبط مانند مقاله نویسی و روش تحقیق نسبت به تردیدنماها در متن‌های علمی آگاهی نسبی یافته بودند. در واقع، اکثر دانشجویان تردیدنماها را تشخیص داده بودند اما در توضیح دلایل خود برای تغییر و یا حذف این موارد عمدتاً در یک دلیل کلی ولی مهم مشترک بودند. آن‌ها نمی‌دانستند که چگونه باید در زبان فارسی تردید و ابهام موجود در متن اصلی را انعکاس دهند. زیرا در نظر آن‌ها تردیدنماها در زبان فارسی به اندازه زبان انگلیسی مصطلح نیستند؛ بنابراین، آن‌ها تردیدنماها را نوعی قرارداد زبانی تلقی کرده و در برخی موارد بسته به شم زبانی خود آن‌ها را در ترجمه حذف و یا تغییر داده بودند. با توجه به این که تردیدنماها عمدتاً قراردادی زبانی مختص به انگلیسی زبان‌ها تلقی می‌شوند، نتایج این مصاحبه‌ها تأییدکننده یافته‌های واسیلوا (۲۰۰۱)، بارو-بونیش (۲۰۰۵)، هو و چائو (۲۰۱۱) و پیسانسکی پترلین و زلاتنار مو (۲۰۱۶) هستند. بارو-بونیش (۲۰۰۵) تردیدنماها را دارای نقشی تعیین‌کننده در متون علمی انگلیسی دانست. او دلایل فرهنگی و محدودیت‌های زبانی را در (عدم) استفاده دانشجویان از تردیدنماها تأثیرگذار می‌دانست. پیسانسکی پترلین و زلاتنار مو (۲۰۱۶) نیز اعلام کردند برخی دانشجویان اسلونیایی تردیدنماها را نوعی عنصر فرهنگ محور<sup>۱</sup> انگلیسی قلمداد کرده‌اند. دانشجویان شرکت‌کننده در این پژوهش نیز در توضیح حذف و یا سایر تغییراتی که داده بودند، معتقد بودند در زبان فارسی در مقایسه با زبان انگلیسی تردیدنماها آنچنان رایج نیستند و انتقال آن‌ها در ترجمه به روان بودن متن ترجمه شده صدمه می‌رساند. البته این توجیه آن‌ها در بعضی پژوهش‌های علمی دیگر نیز تأیید شده است. به عنوان نمونه، فامیان و کارگر (۱۳۹۲) به استفاده کم از تردیدنما در مقابل یقین‌نما در نوشته‌های فارسی اشاره کردند. آن‌ها نشان دادند که با در نظر گرفتن مقیاس ۱۰۰۰ واژه، در بدنه نوشته‌های نقد فارسی تعداد

<sup>1</sup> culture specific item

یقین‌نماها از تردیدنماها بیشتر است و در مقدمه و نتیجه هم تفاوت چشمگیری میان تعداد تردیدنماها و یقین‌نماها مشاهده نمی‌شود. برخی از دانشجویان حاضر در این پژوهش نیز دلیل استفاده از روش‌های تغییر و یا حذف را نیافتن معادل‌های مناسب برای تردیدنماها در زبان فارسی اعلام کردند. شاید این دلیل نیز ناشی از استفاده کم از تردیدنماها در نوشته‌های علمی فارسی باشد.

تردید در یافتن معادل‌های مناسب که از سوی پیسانسکی پترلین و زلانار مو (۲۰۱۶) هم به عنوان دومین دلیل مهم در تغییر و یا حذف تردیدنماها در ترجمه مطرح شده است را می‌توان با مفهوم ریسک عدم قطعیت پیم مرتبط دانست و به کمک چارچوب مدیریت ریسک پیم (۲۰۱۵) در رفع این مشکل به مترجمان کمک کرد. همانگونه که پیم (۲۰۱۵) و کونزلی<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) معتقدند، مترجم در صورت نیافتن معادل مناسب در ذهن خود، اقدام به ریسک‌پذیری می‌کند و این ریسک‌پذیری در استفاده از معادل‌های حدسی توسط مترجم نمود پیدا می‌کند. در این میان دانشجویان ترجمه در مقایسه با شاغلان ترجمه نسبتاً ریسک‌پذیری بیشتری دارند (کونزلی، ۲۰۰۴؛ پیم، ۲۰۱۵). کونزلی (۲۰۰۴) تا حدودی مفهومی منفی از ریسک‌پذیری ارائه می‌دهد اما پیم (۲۰۱۵) معتقد است ریسک‌پذیری می‌تواند گاهی گزینه مفیدی باشد.

پیشتر اشاره شد که دانشجویان با گذراندن واحدهای درسی مرتبط نسبت به تردیدنماها آگاهی نسبی پیدا کرده بودند. دلیل استفاده از صفت نسبی این بود که در سر فصل‌های درسی مرتبط برای دانشجویان کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، و به‌طور مشخص در درس‌های مقاله‌نویسی و روش تحقیق، سر فصل مشخص و جداگانه‌ای به تدریس تردیدنماها اختصاص پیدا نکرده است. اگرچه اساتید ممکن است بنا به صلاحدید خود به تدریس تردیدنماها بپردازند و از این طریق دانشجویان را از اهمیت بالا و ضرورت توجه به این ساخت‌های دستوری آگاه سازند؛ اما در سر فصل‌های رسمی این واحدهای درسی به‌طور مشخص به تردیدنماها تأکید و یا اشاره نشده است. احتمالاً به همین دلیل است که با بررسی مصاحبه‌های دانشجویان مشخص شد که اگرچه آن‌ها تردیدنماها را تشخیص داده بودند، اما به دلیل کم اهمیت پنداشتن نقش آن‌ها در متن اصلی، تردیدنماها را در دسته عناصر کم‌خطر دسته‌بندی کرده بودند. اگرچه پیم (۲۰۱۵) معتقد است تصمیم‌گیری درباره پرخطر و یا کم‌خطر بودن یک عنصر در متن کاملاً ذهنی<sup>۲</sup> و شمی است، نتایج این پژوهش نشان از حساسیت زیاد تفاوت‌های زبان شناختی در ترجمه متون علمی دارند. براساس یافته‌های این پژوهش، تردیدنماها به خصوص در متون علمی و از سوی مترجمان فارسی زبان، باید در دسته عناصر پرخطر ارتباطی با احتمال بالای عدم همکاری<sup>۳</sup> طبقه‌بندی شوند؛ چرا که این موضوع باعث می‌شود مترجمان وقت و نیروی بیشتری را به ترجمه تردیدنماها اختصاص بدهند تا با روش‌های مختلف خواننده را از عدم قطعیت یک گزاره مطلع سازند. در این پژوهش، دانشجویان بیشتر توجه خود را به ترجمه دقیق واژه‌های تخصصی پزشکی متن معطوف ساخته بودند و در مقابل در ترجمه تردیدنماها درصد ریسک‌پذیری بالایی از خود نشان دادند که همین مسئله موجب تغییر و یا حذف نزدیک به چهل درصد از تردیدنماهای موجود در متن شد. این در حالی بود که به دانشجویان اجازه داده شده بود که در صورت نیافتن معادل مناسب برای واژه‌های تخصصی از نویسه‌گردانی کمک بگیرند اما پاسخ‌های دانشجویان در مصاحبه‌ها نشان داد

<sup>1</sup> A. Künzli

<sup>2</sup> subjective

<sup>3</sup> high chance of non-cooperation

که آن‌ها معتقدند ترجمه واژگان تخصصی متن برای مترجمان نوعی اعتبار با خود به همراه دارد که همین موضوع باعث می‌شود که مترجم‌ها به این واژگان بیشتر از تردیدنماها توجه کنند.

## ۷. نتیجه گیری

در هنگام ترجمه، ذهن مترجم به صورت ناخودآگاه درگیر دو فرایند ریسک پذیری و مدیریت ریسک است. نتایج این پژوهش نشان داد که دانشجویان بیشتر تمرکز خود را بر روی واژگان تخصصی متن قرار می‌دهند و به همین دلیل ناخواسته، با کم اهمیت دانستن ترجمه تردیدنماها، در تغییر توان منظوری یک متن علمی اثر منفی می‌گذارند. اشتباه در ترجمه واژگان مهم و یا ساختارهای دستوری منجر به از دست رفتن اعتبار مترجم و یا مفهوم ارتباطی متن می‌گردد. بنابراین، این موارد همیشه از سوی مترجمان در دسته عناصر پرخطر طبقه بندی می‌شوند. اما در بعضی موارد مانند مورد این پژوهش، اشتباه در انتقال دقیق تردیدنماها ممکن است تأثیر به‌سزایی در منظور متن اصلی ایجاد نماید. آنگونه که هایلند (۲۰۰۰) و لو<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) معتقدند تردیدنماهای انگلیسی عمدتاً از سوی زبان آموزان خارجی مورد توجه قرار نمی‌گیرند و دیده نمی‌شوند. پدیده‌ای که لو (۱:۱۹۹۶) آن را «فرضیه واژگان نامرئی»<sup>۲</sup> نامگذاری می‌کند. به همین علت توجه به ترجمه تردیدنماها در متون علمی، و سایر متونی که (عدم) قطعیت گزاره‌ها در آن‌ها تعیین کننده است مانند متون حقوقی، مذهبی، سیاسی و غیره، از اهمیت بالایی برخوردار است. از این رو شایسته است که در این گونه متن‌ها، تردیدنماها جز دسته عناصر پرخطر طبقه‌بندی شوند و در ترجمه آن‌ها بسیار دقت شود. همچنین با نظر به نتایج پژوهش‌هایی از این دست می‌توان به اهمیت پرداختن به تردیدنماها در حوزه آموزش ترجمه پی برد. به این معنا که شایسته است اساتید ترجمه، در درس‌های مقاله نویسی و روش تحقیق دانشجویان کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، آن‌ها را نسبت به اهمیت بالای تردیدنماها به خصوص در متون علمی آگاه سازند. بدین سبب دانشجویان از دلایل استفاده رایج از تردیدنماها در نوشته‌های امروزی مطلع می‌شوند و نه تنها این ساخت‌های زبانی را در مقاله‌های علمی خود به کار می‌گیرند بلکه مهم‌تر از آن، احتمالاً در آینده به عنوان یک مترجم نسبت به ترجمه آن‌ها حساسیت بیشتری به خرج بدهند. به‌طور خلاصه می‌توان ادعا نمود که گروه‌های زبانی مانند تردیدنماها در زبان‌های مختلف دارای کارکردهای ذهنی متفاوتی هستند که این نگاه‌ها و کارکردهای متفاوت باید از سوی مترجم مورد توجه قرار گیرد. از این رو، نیاز به مطالعات میان رشته‌ای مانند پژوهش حاضر در حوزه‌های زبان‌شناسی، کارکردشناسی زبان و ترجمه بیش از پیش احساس می‌شود.

## کتابنامه

فامیان، علیرضاقلی و مریم کارگر (۱۳۹۲). تحلیل مقالات نقد کتاب‌های زبان‌شناسی ایران بر اساس الگوی فراگفتمان هایلند. پژوهش‌های زبان‌شناسی. د ۵. ش ۹. صص. ۳۷-۵۲.

<sup>1</sup> G. Low

<sup>2</sup> lexical invisibility hypothesis

- عبدی، رضا (۱۳۸۸). به کارگیری راهبردهای فراگفتمان در مقالات علمی-پژوهشی فارسی و انگلیسی؛ مطالعه هنجارهای ژانری جامعه گفتمانی در مقاله های فارسی. *مجله زبان و زبان شناسی*، د ۵. ش ۱. صص. ۱۸۰-۱۶۳.
- Afshar, H. S., Moradi, M., & Hamzavi, R. (2014). Frequency and Type of Hedging Devices Used in the Research Articles of Humanities, Basic Sciences and Agriculture. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 136, 70-74. doi:https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.05.290
- Apróné, G. Á. (2011). New Approaches to Hedging: Gunther Kaltenböck, Wiltrud Mihatsch, Stefan Schneider (Eds.), *Studies in Pragmatics*, Vol. 9. Emerald Group Publishing Limited, UK/North America/Japan/India/Malaysia/China, 2010, 310 pp., \$134.95 (hardcover), ISBN 978-0-85724-247-1. *Journal of Pragmatics*, 43(14), 3633-3635. doi:https://doi.org/10.1016/j.pragma.2011.08.005.
- Barotto, A. (2018). The hedging function of exemplification: Evidence from Japanese. *Journal of Pragmatics* 123, 24-37. doi:https://doi.org/10.1016/j.pragma.2017.09.007
- Burrough-Boenisch, J. (2005). NS and NNS scientists' amendments of Dutch scientific English and their impact on hedging. *English for Specific Purposes* 24(1), 25-39. doi:https://doi.org/10.1016/j.esp.2003.09.004
- Campbell, J. L., Quincy, C., Osserman, J., & Pedersen, O. K. (2013). Coding In-depth Semistructured Interviews: Problems of Unitization and Intercoder Reliability and Agreement. *Sociological Methods & Research* 42(3), 294-320. doi:10.1177/0049124113500475
- Fahy, P. J. (2001). Addressing some common problems in transcript analysis. *The International Review of Research in Open and Distributed Learning* 1(2). doi:10.19173/irrodl.v1i2.321
- Holmes, J. (1984). Modifying illocutionary force. *Journal of Pragmatics* 8(3), 345-365. doi:https://doi.org/10.1016/0378-2166(84)90028-6
- House, J. (1981). *A Model for Translation Quality Assessment*. Tübingen: Gunter Narr Verlag.
- Hruschka, D. J., Schwartz, D., St. John, D. C., Picone-Decaro, E., Jenkins, R. A., & Carey, J. W. (2004). Reliability in Coding Open-Ended Data: Lessons Learned from HIV Behavioral Research. *Field Methods* 16(3), 307-331. doi:10.1177/1525822x04266540
- Hu, G., & Cao, F. (2011). Hedging and boosting in abstracts of applied linguistics articles: A comparative study of English- and Chinese-medium journals. *Journal of Pragmatics* 43(11), 2795-2809. doi:https://doi.org/10.1016/j.pragma.2011.04.007
- Hübler, A. (1983). *Understatements and Hedges in English*. Amsterdam: John Benjamins.
- Hyland, K. (1998a). Boosting, hedging and the negotiation of academic knowledge. *TEXT* 18(3), 349-382.
- Hyland, K. (1998b). *Hedging in Scientific Research Articles*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Hyland, K. (2000). Hedges, Boosters and Lexical Invisibility: Noticing Modifiers in Academic Texts. *Language Awareness* 9(4), 179-197. doi:10.1080/09658410008667145
- Itakura, H. (2013). Hedging praise in English and Japanese book reviews. *Journal of Pragmatics*, 45(1), 131-148. doi:https://doi.org/10.1016/j.pragma.2012.11.003
- Kaltenböck, G., Mihatsch, W., & Schneider, S. (Eds.). (2010). *New Approaches to Hedging* (Vol. 9). UK/North America/Japan/India/Malaysia/China: Emerald Group Publishing Limited.
- Krippendorff, K. (2004). *Content Analysis: An Introduction to Its Methodology* (Second ed.). London: SAGE Publications.
- Künzli, A. (2004). Risk taking: trainee translators vs professional translators: A case study. *The Journal of Specialised Translation* (2), 34-49.

- Lakoff, G. (1972). Hedges: a study in meaning criteria and the logic of fuzzy concepts. In P. M. Peranteau, J. N. Levi, & G. C. Phares (Eds.), *Papers from the Eighth Regional Meeting of the Chicago Linguistic Society* (pp. 183-228). Chicago: Chicago Linguistic Society.
- Low, G. (1996). Intensifiers and Hedges in Questionnaire Items and the Lexical Invisibility Hypothesis. *Applied Linguistics* 17(1), 1-37. doi:10.1093/applin/17.1.1
- Markkanen, R., & Schröder, H. (1989). Hedging as a translation problem in Scientific Texts. In C. Laurén & M. Nordman (Eds.), *Special Language: From Humans Thinking to Thinking Machines* (pp. 171-179). Clevedon: Multilingual Matters.
- Markkanen, R., & Schröder, H. (1997). Hedging: a challenge for pragmatics and discourse analysis. In R. Markkanen & H. Schröder (Eds.), *Hedging and Discourse. Approaches to the Analysis of a Pragmatic Phenomenon in Academic Texts* (pp. 3-18). Berlin/New York: Walter de Gruyter.
- Myers, G. (1989). The pragmatics of politeness in scientific articles. *Applied Linguistics* 10(1), 1-35. doi:10.1093/applin/10.1.1
- Pisanski Peterlin, A., & Zlatnar Moe, M. (2016). Translating hedging devices in news discourse. *Journal of Pragmatics* 102, 1-12. doi:https://doi.org/10.1016/j.pragma.2016.06.009
- Pym, A. (2015). Translating as risk management. *Journal of Pragmatics* 85, 67-80. doi:https://doi.org/10.1016/j.pragma.2015.06.010
- Schäffner, C. (1998). Hedges in political texts: a translational perspective. In L. Hickey (Ed.), *The Pragmatics of Translation* (pp. 185-202). Clevedon: Multilingual Matters.
- Sedaghat, A., Biria, R., & Amirabadi, Y. A. (2015). Cross-cultural analysis of hedges in Persian and English editorial columns. *International Journal of Language Learning and Applied Linguistics World (IJLLALW)* 8(1), 37-50.
- Silver, M. (2003). The stance of stance: a critical look at ways stance is expressed and modeled in academic discourse. *Journal of English for Academic Purposes* 2(4), 359-374. doi:https://doi.org/10.1016/S1475-1585(03)00051-1
- Strauss, C. (2004). Cultural standing in expression of opinion. *Language in Society*, 33(2), 161-194. doi:10.1017/S004740450433201X
- Sui, X., Arlt, H., Brock, K. P., Lai, Z. W., DiMaio, F., Marks, D. S., ... Walther, T. C. (2018). Cryo-electron microscopy structure of the lipid droplet-formation protein seipin. *The Journal of Cell Biology* 217(10). doi:10.1083/jcb.201809067
- Tahririan, M. H., & Shahzamani, M. (2009). Hedging in English and Persian Editorials: A Contrastive Study. *Iranian Journal of Applied Linguistics* 12(1), 199-221.
- Varttala, T. (1999). Remarks on the Communicative Functions of Hedging in Popular Scientific and Specialist Research Articles on Medicine. *English for Specific Purposes* 18(2), 177-200. doi:https://doi.org/10.1016/S0889-4906(98)00007-6
- Vassileva, I. (2001). Commitment and detachment in English and Bulgarian academic writing. *English for Specific Purposes* 20(1), 83-102. doi:https://doi.org/10.1016/S0889-4906(99)00029-0
- William, J. V. K. (1985). Some Exploratory Discourse on Metadiscourse. *College Composition and Communication* 36(1), 82-93. doi:10.2307/357609
- Yang, Y. (2013). Exploring linguistic and cultural variations in the use of hedges in English and Chinese scientific discourse. *Journal of Pragmatics* 50(1), 23-36. doi:https://doi.org/10.1016/j.pragma.2013.01.008